



هم کلام با جواد رضایی جانباز ۷۰ درصد نابینا

# آخرین تصویر؛ آسمانی زیبا و پیکر خونین همرزم



جانباز رضایی، امروز و دیروز

ارائه خدمت می کند.

-این موسسه دقیقاً چه فعالیت هایی برای نابینایان انجام می دهد؟  
از این ۱۴۰۰ نفر عضو، حدود ۴۵۰ نفر به نیازهای حمایتی و معیشتی نیاز دارند که مادر پرداخت مستمری و درمان و ازدواج حمایتشان می کنیم. همچنین در امر اشتغال زایی و پشتیبانی از دانش آموزان و دانشجویان نابینا تلاش می کنیم. یکی از بخش های مهم موسسه، چاپخانه آثار ویژه نابینایان است که قرآن، کتاب ادعیه و جزوات آموزشی با خط بریل برای مخاطبان چاپ می کنیم و در اختیارشان قرار می دهیم.

-آقای رضایی اگر همین امروز به حضورتان در عرصه جهاد نظامی نیاز باشد چه می کنید؟  
اگر خدای ناکرده میدان و عرصه جنگی به وجود آید مطمئناً هستم که انتخاب من جز انجام وظیفه نخواهد بود و تردید ندارم فرزندانم نیز انگیزه و اراده شان برای حضور در عرصه جهاد اگر بیشتر از دوران دفاع مقدس نباشد قطعاً کمتر از آن هم نخواهد بود.



جانباز رضایی، امروز و دیروز

این را هم بگویم که در سال ۱۳۶۷ در مسابقات پارالمپیک ۱۹۸۸ سئول در نخستین رویارویی تیم های ملی ایران با تیم رژیم صهیونیستی، حاضر به مسابقه نشدیم و از پارالمپیک اخراج شدیم.  
-الان هم ورزش می کنید؟  
طبیعتاً برای سلامتی کم و بیش ورزش می کنم اما ورزشکار نیستم. البته سالی یک بار همراه با تیم نابینایان در مسابقات کشوری حضور می یابم که امسال هم در آبان ماه در مسابقات کشوری گلبال شرکت خواهم کرد.

آقای رضایی از چ�مانی به عرصه فعالیت های اجتماعی و خیریه وارد شدید؟  
من سال ۹۱ باز نشسته شدم. از سال ۱۳۷۸ به همراه عده ای از دوستان به این فکر افتادیم که موسسه ای برای ارائه خدمات به نابینایان تأسیس کنیم.  
در همه این سال ها، خودم به عنوان رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل موسسه انجام وظیفه می کنم. این موسسه ۱۴۰۰ عضو نابینا دارد که به اعضای خود در حوزه های فرهنگی، حمایتی و آموزشی

شاید چهار سال پس از مجروحیت که شرایط من برایش به سمت عادی شدن پیش می رفت، به رحمت خداوند رفت و مانده شدیم. در واقع آن چهار سال من بیشتر در موقعیت های جدید قرار می گرفتم و به موفقیت های تحصیلی و ورزشی هم رسیده بودم و همین ها باعث می شد پدرم بیشتر با شرایط من کنار بیاید ولی عمر این اجازه را به ایشان نداد و با رفتنشان ما را داغدار کرد.

-چزمانی از دواج کردید؟  
یک سال پس از مجروحیت به استخدام سپاه درآمد و سال پس از آن هم ازدواج کردم. سال ۱۳۶۳ خداوند اولین فرزندم را به من و همسرم عطا کرد و اکنون به لطف حق چهار فرزند دارم.

-آقای رضایی می دانم با وجود این که در شمار جانبازان ۷۰ درصد هستید، اما موفقیت های ملی و بین المللی ورزشی هم داشته اید. خوشحال می شوم بیشتر بدانم.  
سه سال پس از مجروحیت همزمان با زندگی و کار در مسیر ورزش هم قرار گرفتم. به علاقه ای که به ورزش داشتم در سه رشته وزنه برداری و پاور لیفتینگ، کشتی نابینایان و گلبال به چندرتبه قهرمانی کشور و عضویت در تیم های ملی رسیدم. حاصل حدود ۱۷ سال ورزش قهرمانی در عرصه ملی و بین المللی، کسب ۴۵ مدال رنگی برایم بود که در شش حضور بین المللی و عضویت در تیم ملی موفق شدم دو مدال طلا در مسابقات وزنه برداری اسپانیا و آمریکا کسب کنم و یک مدال نقره نیز در کشتی در هلند از آن خود کردم.



گذشت زمان در مسیر عادی زندگی قرار گرفتم. -پس از آن به خانه برگشتید...  
به خانه برگشتم و پس از چند هفته انجام مراحل درمان دریافتیم که قطعاً برای همیشه نابینا شده ام و یکی از دلایلی که زودتر موضوع را پذیرفتم شاید همین بود که تکلیفم مشخص شده بود؛ این که من برای همیشه نابینا شده ام. چند هفته پیش از بازگشتم از شیراز به مشهد، در تهران طی دیداری خدمت حضرت امام (ره) رسیدیم که این دیدار آغاز یک تحول بود که باعث شد شرایط جدیدم را بیشتر بپذیرم و خودم را در موقعیت جدید بیشتر پیدا کنم.

• آخرین تصویری که دیدم...  
-آقای رضایی آخرین تصویری که دیدید خاطر تان هست؟  
بله؛ یک آسمان آبی زیبا و بزرگ و پیکر شهیدی که مقابلم بود. پیکر شهید حسن رحیم زاده توسی از دوستان نزدیک و صمیمی ام که حدود دو ساعت قبل از مجروحیت من به شهادت رسیده بود. پیکر این شهید هنوز باز نگشته است و خانواده اش هنوز در انتظار پیکر فرزندشان هستند.  
-پس از این که برگشتید مواجچه پدر و مادر و نوع بر خور دشان با مجروحیت و نابینا شدن شما چگونه بود؟  
طبیعتاً برای همه اعضای خانواده خیلی سنگین و به ویژه برای پدرم خیلی سخت بود پذیرفتن این حادثه برای پدرم زمان زیادی برد و



کردم و ۲۸ بهمن با بزرگ ترین گروهی که تا آن زمان از خراسان به جبهه می رفتند، اعزام شدم. پس از سامان دهی در اهواز و حدود دو ماه استقرار در مناطق مربوط، زمان مبارزه ۲۵ فروردین ۱۳۶۰ رساند. یعنی دو ماه پس از حضورم در جبهه آماده شرکت در یک عملیات شدیم. آن موقع چون نخستین عملیاتی بود که انجام می شد، لذا این عملیات نامور و مشخصی مثل سال های بعد نداشت.

در واقع عملیات بزرگی برای آزادسازی بخشی از غرب کرخه مقابل شهرستان شوش خالی از سکنه سال ۵۹-۶۰ آغاز شد که به اتفاق همرزمانم در آن حضور یافتیم.  
ظهر روز اول عملیات در حالی که با نیروهای بعث درگیر بودیم از سمت راست گلوله ای به صورت من اصابت کرد که با عبور از زیر بینی از چشم چپم خارج شد و بینایی ام را به طور کامل از دست دادم و در واقع این گونه مفتخر به جانبازی شدم.  
-یعنی در ۱۷ سالگی دچار این اتفاق یعنی نابینایی شدید که احتمالاً خوشایند نبود و آغاز یک تحول بزرگ در زندگی تان...  
قطعاً جنگ خوشایند نبود اما حضورم در دفاع مقدس به عنوان یک رزمنده برایم بسیار خوشایند بود. هضم نابینا شدن در ابتدای ماجرا مقداری برایم سنگین بود ولی این که بگویم ناخوشایندانه، چون آمادگی هر اتفاقی را داشتم. در واقع پس از مدتی با آن کاملاً کنار آمدم و اگر چه ضعف جسمی داشتم و محدودیت هایی برایم ایجاد شد اما با



غفور یان- تصور ش هم سخت است؛ این که قرار باشد از ۱۷ سالگی نابینا شوی و زندگی را با همه تصویرها و رنگ هایی که دارد، طور دیگری تجربه کنی.  
آری! قطعاً تصور ش هم سخت است. جواد رضایی سیستمی اما در همین شرایط به قله های قهرمانی جهان هم رسیده است. کسب چند مدال رنگی در مسابقات وزنه برداری، کشتی و گلبال او را به یک قهرمان تبدیل کرده است. البته قهرمانی در ورزش تنها هنر او نیست. رضایی سال ۷۱ در کنکور سراسری صاحب رتبه ۱۲ می شود و تحصیلاتش را تا پایان کارشناسی ارشد در رشته تاریخ ادامه می دهد. از ۲۰ سال قبل نیز موسسه ای عام المنفعه ویژه نابینایان راه اندازی کرده که اکنون ۱۴۰۰ عضو نابینا از آن خدمات دریافت می کنند. با او در یک صبح پاییزی هم کلام می شوم و از حماسه اش می شنوم. برای اولین پرسش از اومی خواهم از روزی بگویم که برای نخستین بار پایش به جبهه باز شد، می گوید: ۳۱ شهریور ۵۹ جنگ آغاز شد. حدود چهار ماه همه وجودم را احرا ر گرفته بود که چرانمی توانم به جبهه بروم. سراغ هر واسطه ای را می گرفتم که بتواند مرا برای رفتن نشانم دهد. البته ماه های آغازین جنگ بود و راه های اعزام و رفتن به جبهه هنوز برای بسیاری از افراد شناخته شده نبود و آن اوایل باتوجه به شرایط نیروها اعزام می کردند. آن زمان ۱۷ ساله بودم که سرانجام راهی ریاقتم و در دوره آموزشی در دی و بهمن ۵۹ شرکت



رضایی نفر چهارم از راست

رئیس عقیدتی سیاسی پایگاه هوانیروز مشهد از ویژگی های ارتشیان می گوید

## انگیزه های الهی در کنار برخورداری از سلاح های پیشرفته

است و فقط از نظر نیروی انسانی و آماد و پشتیبانی تابع ستاد مشترک خواهد بود. از این رو، در فردای آن روز یعنی ۲۴ مهر ۵۸ این طرح در شورای انقلاب نیز مطرح شد و فرایند اجرایی آن شکل قانونی گرفت.

• ۴۰ سال مجاهدت  
رئیس عقیدتی سیاسی پایگاه پنجم رزمی هوانیروز مشهد با تاکید بر نقش موثر روحانیت در حوزه های فرهنگی مجموعه ارتش، چنین یادآور می شود: ۴۰ سال مجاهدت روحانیت بر تلاش و سربازان فرهنگی در ارتش و در خدمت آرمان های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، امروز ارتش را به یک سازمان اسلامی، انقلابی و مردمی و در خدمت آرمان های نظام اسلامی قرار داده است که نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در تأمین امنیت مرزها و حفاظت از کیان و استقلال کشور و نظام جمهوری اسلامی ایفا می کند.

• عامل ایمان در کنار برخورداری از آمادگی نظامی  
بهشتی پور ارتش را دارای ابعاد مختلف بر می شمارد و تأکید می کند: ارتش امروز به لطف الهی ضمن برخورداری از تجهیزات و تسلیحات پیشرفته مورد نیاز و نیروی انسانی آموزش دیده و چابک، عامل مهم برتر ساز یعنی ایمان، اراده و انگیزه معنوی را نیز دارا است. در واقع، اولین ویژگی ارتش ما و نیروهای مسلح، ایمان و انگیزه های الهی آن هاست که در قلوب این سربازان وطن و از جمله در نیروهای فداکار ارتش موج می زند و همین ویژگی است که این نیرو را آماده هر گونه ایثار و فداکاری برای دین و وطن کرده است. وی همچنین دارا بودن فرماندهی آگاه با شایستگی دینی و ولایت

گروه پلاک عزت- امروز بی شک ارتش جمهوری اسلامی ایران در کنار قدرت، صلاحیت و اقتدار نظامی اش دارای مبانی عمیق اعتقادی و فرهنگی است. به طور قطع همین دارا بودن مبانی فکری و اعتقادی است که این سربازان فداکار وطن را از تمام ارتش های جهان متمایز کرده است. ارتش ما امروز دل در گرو مکتب و اندیشه غنی دینی و ارزش های ایرانی-اسلامی دارد و خود را هر لحظه آماده جهاد، شهادت و دفاع از وطن می داند. توسعه و نشر این فرهنگ و تقویت بنیان های اعتقادی در ارتش جمهوری اسلامی وظیفه نهاد عقیدتی سیاسی این نیروی نظامی و مکتبی است. ۲۳ مهر سالروز تأسیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود، از این رو فرصت را مغتنم شمردیم و به سراغ حجت الاسلام و المسلمین حسن بهشتی پور، رئیس عقیدتی سیاسی پایگاه پنجم رزمی هوانیروز مشهد مقدس رفتیم. او از چگونگی تأسیس تا مجموعه فعالیت های این نهاد بر ایمان توضیحاتی ارائه کرد که با هم دیگر مرور می کنیم.

• پیشنهاد آیت... خامنه ای به حضرت امام (ره)  
برای نخستین پرسش از آقای بهشتی،



باتجلیل از پدر شهید مدافع حرم محمدی مفرد

یادواره ۲۳ شهید پایگاه شهید وهاب رجایی

در مشهد برگزار شد



گروه پلاک عزت- بزرگداشت هشتمین یادواره ۲۳ شهید پایگاه شهید محمد جواد وهاب رجایی و مسجد موسی بن جعفر (ع) در سالن همایش های شهید مشکی منطقه طلاب مشهد برگزار شد. در این یادواره که خانواده های معظم شهیدان و ایثارگران حضور داشتند، از پدر بزرگوار شهید مدافع حرم جواد محمدی مفرد تجلیل شد. همچنین در این مراسم بزرگداشت، تعدادی از فعالان فرهنگی بسیج در ناحیه مقداد نیز تقدیر شدند. گزارش خراسان حاکی است، در این مراسم سردار یوسفعلی زاده مدیر کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس خراسان سخنرانی کرد. وی درباره فرهنگ ایثارگری و ریشه آن در فرهنگ عاشورا سخن به میان آورد و در بخشی از سخنانش نیز از خاطراتی درباره همرزمش سردار شهید نیکیش که تصویرش در جایگاه این مراسم بود خاطراتی را بیان کرد. در بخش دیگری از مراسم حاج حسین پیرزاد از مداحان اهل بیت (ع) که خود نیز از رزمندگان همین پایگاه و مسجد بوده است به مداحی پرداخت. اجرای گروه سرود موعود از دیگر برنامه های این بزرگداشت بود. جواد زمانی دبیر اجرایی این بزرگداشت در حاشیه این مراسم به ما گفت: پایگاه شهید وهاب رجایی در دوران دفاع مقدس ۲۳ شهید بزرگوار را به میهن اسلامی تقدیم کرده است. شهیدانی همچون سردار شهید جلیل محدثی فر، سردار شهید غلام محمد نیکیش، سید صادق حسینی پور علوی، هادی اخبازی، محمد جواد وهاب رجایی، ابوالقاسم واسعی، شهیدان ساقی و... از جمله شهیدان گران قدر این پایگاه هستند که امروز بسیجیان این مسجد و پایگاه در تلاش اند با برگزاری این یادواره ها یاد و خاطره این شهدا را زنده نگه دارند.